



doi 10.22059/JIS.2023.352114.1170

Research Paper

The Qajar Patrimonial State and the Conflicts of the Zanjan Landowning Nobility: Policies, Consequences and Results

Abbas ghadimigheydari¹ | Hasan Rostami²

1. Professor of the history department, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. E-mail: ghadimi@tabrizu.ac.ir

2. Corresponding Author, PhD in the History of Iran after Islam, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. E-mail: rostami.h1210@gmail.com.

Article Info.

Received:
2022/12/05

Accepted:
2023/08/29

Keywords:
*Landlord,
Qajariyah,
Zanjan,
Patrimonial
government,
Amirafshar,
Asad al-Doulah*

Abstract

During the constitutional years, Khamsa province, centered in Zanjan, was one of the crisis centers of the country and because of its proximity to Tehran and Tabriz, it spent years of unrest. In the meantime, in addition to political crises, the enmity of Khamsa kings (Jehanshah Khan Amirafshar and Zulfiqar Khan Asad al-Dawlah) over the appropriation of each other's lands caused many disturbances. These conflicts were not unaffected by the land ownership policies of the Qajar government. Therefore, the main issue of this research is the relationship between the Qajar governance model and the rivalries and conflicts of Zanjan landowners based on Max Weber's theory of patrimonial government. It seems that due to the continuation of the Qajar political structure until the end of the Nasrid period, the Shah, in the role of the patrimonial ruler, due to the traditional domination and unlimited powers and economic and political disturbances, by selling the Khalsa properties and increasing the royalties, created the necessary ground for competitions and the authority of the landowners. The continuation of these policies of the Qajar government in the years leading to the constitution, increased the influence of the landowners, and due to the ineffectiveness of the institutions of the constitutional era in solving the land crisis, it caused increasing problems in the following years. The present article has investigated the subject in a descriptive-explanatory manner by collecting library and documentary data.

How To Cite Rostami, Hasan :Ghadimi gheydari, Abbas. (2024). The Qajar Patrimonial State and the Conflicts of the Zanjan Landowning Nobility: Policies, Consequences and Results. *Journal of Iranian Studies*, 14 (2), 59-80.

Publisher: University of Tehran Press.





دولت پاتریمونیا ل قاجار و ستیزه‌های اشرافیت زمین‌دار زنجان؛ سیاست‌ها،

پیامدها و نتایج

عباس قدیمی‌قیداری^۱ | حسن رستمی^۲ ✉

۱. استاد گروه تاریخ، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: ghadimi@tabrizu.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، دکتری رشته تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه:

rostami.h1210@gmail.com

اطلاعات مقاله چکیده

در سال‌های عصر مشروطه ولایت خمسه با مرکزیت زنجان از کانون‌های بحرانی کشور بود و به دلیل نزدیکی به دارالخلافه تهران و دارالسلطنه تبریز، سال‌های ناآرامی را سپری کرد. در این بین علاوه بر بحران‌های سیاسی، دشمنی خوانین منطقه خمسه (جهانشاه خان امیر افشار و ذوالفقارخان اسعدالدوله) بر سر تصاحب زمین‌های یکدیگر، نابسامانی‌های فراوانی را موجب گردید. این ستیزه‌ها بی‌تأثیر از سیاست‌های زمین‌داری دولت قاجاریه نبود. بنابراین مسئله اساسی این تحقیق، نسبت الگوی حکمرانی قاجارها با رقابت‌ها و ستیزه‌ها و دشمنی‌های خوانین زمیندار زنجان بر اساس نظریه دولت پاتریمونیا ل ماکس وبر است. به‌نظر می‌رسد با توجه به تداوم ساختار سیاسی دولت قاجاریه تا اواخر دوره ناصری، شاه در نقش حاکم پاتریمونیا ل، با توجه به سلطه سنتی و اختیارات نامحدود و نابسامانی‌های اقتصادی و سیاسی، با فروش املاک خالصه و افزایش تیول، زمینه لازم را برای رقابت‌ها و اقتدار زمین‌داران فراهم ساخت. ادامه این سیاست‌های دولت قاجاریه در سال‌های منتهی به جنبش مشروطه، موجب افزایش نفوذ زمین‌داران زنجان شد و با عنایت به ناکارآمدی نهادهای عصر مشروطه در رفع بحران اقتصادی و بالاخص زمین‌داری، مشکلات فزاینده‌ای در سال‌های بعد برای دولت و مردم به‌وجود آورد. مقاله حاضر با گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی، به شیوه توصیفی-تبیینی موضوع را مورد بررسی قرار داده است.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۹/۱۴

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۶/۰۷

واژه‌های کلیدی:

زمین‌داری، قاجاریه، زنجان، دولت پاتریمونیا ل، امیرافشار، اسعدالدوله

استناد به این مقاله: رستمی، حسن؛ قدیمی قیداری، عباس (۱۴۰۳). دولت پاتریمونیا ل قاجار و ستیزه‌های اشرافیت زمین‌دار زنجان؛ سیاست‌ها، پیامدها و نتایج، *فصلنامه پژوهش‌های ایران‌شناسی*، ۱۴(۲)، ۸۰ تا ۵۹.



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

زمین به‌عنوان مهمترین منبع درآمد و ثروت، جایگاه بالایی در میان دولت‌های ایرانی داشته است. در عصر شاه عباس اول با تغییرات عمده در نظام زمین‌داری، تسلط دولت بر صاحبان سیورغال بیشتر شد و به مرور زمان وسعت املاک خالصه افزایش یافت. این سیاست با فراز و نشیب‌های متعددی تا اواخر دوره ناصرالدین شاه قاجار ادامه داشت. در این برهه با توجه به نابسامانی‌های اقتصادی و سیاسی، املاک خالصه به کارگزاران و گروه‌های مهم واگذار گردید و تیول‌داری نیز افزایش یافت. نتیجه این سیاست، رشد املاک اربابی و خصوصی و در نتیجه اقتدار و افزایش نفوذ کارگزاران و زمین‌داران بود. بر اساس نظریه پاتریمونیال ماکس وبر، حاکم با سلطه سنتی و اختیارات نامحدود، مقامات و مناصب دستگاه دیوانی را از میان خدمه یا منتفذین محلی انتخاب می‌کرد و در صورت به‌کارگیری از نیروهای فرایپاتریمونیال، افرادی وفادار را برمی‌گزید. یگانه معیار برای انتخاب کارگزاران، سرسپردگی و اطاعت از فرامین شاه بود و درکی از تخصص و کاردانی وجود نداشت. در جامعه زنجان عصر قاجار، جهان‌شاه‌خان امیرافشار و ذوالفقارخان اسعدالدوله با توجه به موقعیت آبا و اجدادی و وابستگی به دولت قاجاریه، مأموریت‌های سیاسی و نظامی را بر عهده گرفتند و در خدمت دولت بودند و با دریافت زمین از سوی شاه قاجار، به تدریج قدرتشان افزایش یافت. در سال‌های منتهی به مشروطه، ادامه سیاست‌های دولت در واگذاری اراضی به خوانین، موجب افزایش نفوذ و اختیاراتشان شد و با توجه به ضعف دولت قاجار در سال‌های مشروطیت، بیش از پیش به سمت اقتدارگرایی کشیده شدند. پژوهش حاضر به این سؤال می‌پردازد که بر اساس نظریه دولت پاتریمونیال ماکس وبر، الگوی حکمرانی قاجارها چه تأثیری بر ستیزه‌ها و رقابت‌های اشرافیت زمیندار زنجان گذاشت و نتایج و پیامدهای آن چه بود؟ مقاله حاضر با گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی، به شیوه توصیفی-تبیینی موضوع را مورد بررسی قرار داده است.

۲. پیشینه پژوهش

پیرامون پژوهش‌های پیشین، اندیشمندان در بررسی ساختار سیاسی و مناسبات اقتصادی دولت‌های ایرانی آثار متعددی عرضه کردند. ویتفولگ در کتاب «استبداد شرقی» در پی تبیین سویه‌های گوناگون جامعه‌های آب‌سالار بود. او بر این عقیده بود که دولت آسیایی مالک بسیار بزرگ زمین بوده است و گرچه حق تملک دولت تحت مقررات حکومت، پشت اجتماع‌های روستایی خودگردان به‌ظاهر پنهان بود؛ اما دولت با جلوگیری از خرید زمین به‌وسیله افراد خارج، نقش غیرمستقیمی بازی می‌کرد. محققان شوروی در راستای اجرای متودولوژی فرمایشی و دیدگاه جهانشمول مارکسیست-لنینیست، مشغول پی‌ریزی مبانی ساختار جامعه ایران در عرصه اقتصاد شدند. کتاب «تاریخ ماد» اثر دیاکونف و «کشاورزی

و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول» نوشته پتروشفسکی، از جمله این آثار بودند. لاپیدوس در کتاب «تاریخ جوامع اسلامی» به پایه‌های اجتماعی و اقتصادی دولت عربی-اسلامی پرداخت. نوع و چگونگی روابط فاتحان عرب با سرزمین‌های فتح شده در زمینه خراج، از جمله مباحث کتاب بود. آثاری مانند «مالک و زارع در ایران» و «اصلاحات ارضی در ایران» نوشته آن لمبتون، به‌طور مفصل به سیاست‌های زمین‌داری دولت‌های ایرانی تا عصر حاضر پرداخته است. از میان آثار جدید، عباس ولی در کتاب «ایران پیش از سرمایه‌داری»، با نقد نظرات دوگانه فتودالی و آسیایی، با تلاش در گذر از قوالب خشک، مفهوم فتودالیسم ایرانی را برای روایت‌گری تجربی - تاریخی از جامعه ایران پیشنهاد کرده است. حمید عبداللهیان از دیگر صاحب‌نظران که در زمینه دستاوردهای پژوهشی، متأخرتر از ولی است، در کتاب «جامعه‌شناسی تاریخی ایران، شکل‌گیری نظام ارباب‌غایب»، با بررسی و نقد مهمترین پیش‌فرض‌های تاریخی پژوهش‌ها و مفهوم‌پردازی‌های ایران‌شناسان پیشین خود، سعی در رجوع به اصل واقعیت در حالت تجربی شده است. به عقیده عبداللهیان مفهوم زمین‌داری در ایران با اروپا متفاوت بوده است. در اروپا شکل مناسب اجتماعی زمین‌داری به‌صورت «مالکیت خصوصی زمین» بود و در ایران با «نگهداری زمین» به اشکال تیول، سیورغال و اقطاع وجود داشته است. پیرامون تحقیقات زنجان‌پژوهی، مقاله «بررسی و تحلیل جنگ قدرت‌های محلی و بین‌المللی در زنجان دوره جنگ جهانی اول (۱۲۹۴-۱۲۹۸ ه.ش)»، نوشته علی‌رضا محسنی‌ابوالخیری و شکوت افشاری، در کنار اشغال‌گران خارجی و حکومت خمسه، به تلاش‌های امیرافشار و اسعدالدوله برای تثبیت موقعیت اجتماعی-سیاسی در سال‌های پس از مشروطه پرداخته است. مقاله به اشتباه، خان ذوالفقاری مورد بحث در سه سال نخست جنگ جهانی اول را ذوالفقارخان نامید، در صورتی که ذوالفقارخان سال ۱۳۳۵ ه.ق از دنیا رفت و فرزندش منیع‌الدوله با لقب اسعدالدوله به‌جای پدر نشست.

۳. نظریه دولت پاتریمونیال ماکس وبر و دولت قاجاریه

ماکس وبر (Max Weber) در جامعه‌شناسی سیاسی یا به‌طور صحیح‌تر در جامعه‌شناسی سلطه، بر چگونگی مشروعیت قدرت تمرکز کرد (ترنر، ۱۳۷۹: ۴۰). «سلطه» در بردارنده رابطه دوجانبه بین حکام و حکومت‌شدگان است و کثرت موارد اطاعت از فرمان، تنها یک جنبه از این واقعیت است که در قدرت فرماندهی وجود دارد. به عقیده وبر، هر رابطه‌ای میان حکام و حکومت‌شوندگان دارای عناصری ناهمگن است که بر اساس سه «سنخ خالص» مورد نظر او شامل سلطه قانونی، سلطه سنتی و سلطه کاریزماتیک می‌تواند تحلیل شوند (بندیکس، ۱۳۸۲: ۳۲۲؛ ترنر، ۱۳۷۹: ۳۸؛ فروند، ۱۳۸۳: ۲۱۶). در اندیشه وبر سلطه سنتی بر اساس تقدس قدرت حاکم و نظام‌هایی که از قدیم وجود داشته‌اند، تبلور می‌یابد. در این‌گونه نظام‌ها، حاکمان بر پایه قواعد سنتی منصوب می‌شوند و از آنان به‌دلیل احترامی که سنت برایشان قائل

است، پیروی می‌گردد (وبر، ۱۳۹۵: ۳۲۳). وبر نظام‌های سنتی به‌لحاظ ساختار اداری و دیوانی آن‌ها را پدرسالارانه، پاتریمونیال و فئودال معرفی می‌کند. در این بین مهمترین شکل سلطه سنتی، سلطه پدرسالارانه و شاخه‌های فرعی آن است (پارکین، ۱۳۸۴: ۱۱۴). «پدرسالاری» وضعیتی است که در آن یک تشکل اقتصادی یا خویشاوندی فردی که بر اساس قوانین موروثی تعیین می‌شود، حکومت می‌کند. در ادامه با پیدایش ستاد اداری و شخصی سرور، سیادت سنتی به نظام موروثی و در صورت قدرت فوق‌العاده سرور، به سلطانیسم گرایش می‌یابد. نزدیکان تبدیل به رعایا می‌شوند و حق سرور که حق نزدیکان محسوب می‌شد، تبدیل به حق شخصی سرور می‌گردد. این حق در اصل به همان نحو در تصاحب اوست که هر شیء دلخواه دیگر قابل فروش، مصادره و توارث است (وبر، ۱۳۹۵: ۳۳۷ و ۳۶۹-۳۷۰). سلطه پدرسالاری به‌عنوان زمینه و مقدمه‌ای برای سلطنت پاتریمونیال است (Blake, 1979: 79). وبر اشاره می‌کند که اعمال سنتی می‌تواند در شرایطی محقق باشد که نظام اداری و دیوان‌سالاری وجود داشته باشد یا وجود نداشته باشد. بر همین مبنا، چنانچه اعمال سلطه با حضور دستگاه اداری و دیوانی صورت گیرد، نظام سیاسی «پاتریمونیال» نام دارد و اگر بدون وجود سازمان اداری صورت گیرد، نظام پدرسالاری یا حکومت سالمندان شکل خواهد گرفت که آن‌را «سالمندسالاری» می‌نامند (اشرف، ۱۳۴۶: ۱۰۱۵). اگر پدرسالاری را ساده‌ترین شکل اقتدار در جوامع ماقبل مدرن بدانیم، پاتریمونیالیسم سازمان یافته‌ترین شکل دولت در دوران ماقبل مدرن است. به‌نظر می‌رسد، پاتریمونیالیسم برای اروپاییان شناخته‌ترین شکل حاکمیت سنتی است، چون اکثر موناشری‌های قدیمی اروپایی از همین نمونه بودند. پاتریمونیالیسم همانند بوروکراسی نهادی مستمر است، با این تفاوت که هنجار مرجع، عنصر غیرعقلانی است. مایه وحدت این هنجارها نه قوانین رسمی، بلکه شخص حاکم است. در واقع این نظام به شخص حاکم و وفاداری از او متکی است. اطاعت در اینجا، اطاعت از اصل کلی نیست، بلکه اطاعت از مافوق و حالت بندگی دارد. حاکمیت پاتریمونیالیسم فاقد دستگاه اداری به‌مانند دستگاه بوروکراتیک است. حاکم پاتریمونیال مقامات و مناصب دستگاه دیوانی خود را از میان خدمه، متنفذین محلی و یا از نیروهای فراپاتریمونیال برمی‌گزیند. گرچه نظام پاتریمونیال ناگزیر به برپایی دستگاه اداری می‌شود، تفاوت این دستگاه با بوروکراسی جدید در این است که در نظام پاتریمونیال انتخاب مشاغل مبتنی بر حرفه و صلاحیت نیست، بلکه تقسیم مقامات و مناصب بر اساس میزان وفاداری به شخص حاکم انجام می‌پذیرد (وبر، ۱۳۹۵: ۳۶۴-۳۶۵؛ فروند، ۱۳۸۳: ۲۲۶-۲۲۷). آنچه در نظام پاتریمونیال معنا ندارد، تفکیک حوزه امور خصوصی از امور عمومی است. یعنی میان منافع شخص صاحب‌منصب و منافع عمومی که به نحوی با منصب او ارتباط داشته باشد، تمایزی وجود ندارد. در گزینش صاحب‌منصبان به‌ندرت توانایی آنان در رتق و فتق امور در نظر گرفته می‌شد. یگانه معیار همان وفاداری به شاه است. در فرهنگ پاتریمونیال، قدرت خارج از اراده جامع‌ه شکل می‌گیرد، فردی که در رأس امور قرار دارد، از نوعی قداست و به تعبیر

امروزی فره ایزدی و سایه الهی برخوردار است. مردم اتباع حاکم تلقی می‌شوند و حق رقابت و مشارکت سیاسی ندارند (بشیریه، ۱۳۸۹: ۷۶). در دولت پاتریمونیا ل فرمانروا می‌تواند از سلطنت مشروع خود استفاده شخصی کند و یا آن را همچون امتیازی اقتصادی بفروشد، به وثیقه بگذارد و یا آن که از راه ارث تقسیم کند. عوامل حمایت‌کننده از سلطه پاتریمونیا ل، غلامان کارگزار، کلنی‌ها و برای مقابله با رعایا، سربازان مزدور هستند. حمایت از خدمتگذاران فرمانروا و صاحب‌منصبان او ممکن است به صورت زندگی در خانه فرمانروا، استفاده از اموال منقول فرمانروا، بهره‌گیری از زمین در برابر خدمات، استفاده از درآمد اموال، مالیات، عوارض و تخصیص فیف باشد. در نظام پاتریمونیا ل هنگامی که صاحبان مقامات محلی مالکیت خود را بر اراضی تنفیذ کنند و به صورت اعیان و اشراف محلی جلوه‌گر شوند، تنازع میان منافع اقتصادی و سیاسی آنان با شخص فرمانروا و دستگاه اداری شدت پیدا می‌کند. در این موارد دستگاه مرکزی درصدد حمایت از اهالی محل برای حفظ قدرت تولیدی آنان در برابر استثمار مقامات محلی به سود نظام مرکزی برمی‌آید (اشرف، ۱۳۹۳: ۳۸۴-۳۸۶). و بر در بررسی ساختار اداری و دیوانی نظام‌های پاتریمونیا ل، به دو گونه نظام معتقد بود. نخستین پادشاهی پاتریمونیا ل که گونه کوچکتر و در ساختار، نزدیکی بیشتری به نظام پدرسالاری داشت. گونه دوم ساختار پاتریمونیا ل-بوروکراتیک است که از نمونه اول بزرگتر و تشکیلات اداری به شخص حاکم وابسته بود و صاحب‌منصبان به واسطه مناسبات شخصی و وفاداری منصوب می‌شدند؛ اما از سوی دیگر با گسترش تدریجی دیوان‌سالاری، ایجاد مناصب جدید، تقسیم وظایف و عملکردهای اداری، از حیثه و نظارت شخص حاکم خارج می‌شد و جنب بوروکراتیک پیدا می‌کرد (وبر، ۱۳۹۵: ۳۴۷؛ 12: chang, 2007). تشکیلات دیوانی نظام‌های پاتریمونیا ل-بوروکراتیک متفاوت از تشکیلات بوروکراتیک دولت‌های مدرن بودند؛ اما قدرتمندترین تشکیلات سیاسی و اداری دولت‌های ماقبل به‌شمار می‌رفتند.

ساختار سیاسی دولت قاجار از آغاز تا انقلاب مشروطیت تغییر چندانی نیافت و به نظر می‌رسد به‌مانند ساختار پادشاهی پاتریمونیا ل بود. مهمترین و اساسی‌ترین ویژگی دولت قاجار «اقتدار سلطانی» و «مطلق‌گرایی» بود. این ساختار از یک هسته اصلی و عناصر پیرامونی شکل گرفت و شاه به‌عنوان هسته مرکزی بر پیرامون تسلط داشت. در این ساختار، شاه قدرت بی‌بدیلی داشت و بنا به میل و اراده شخصی، فرمان‌ها را صادر می‌کرد و سایه ایزدان به‌شمار می‌آمد (ملکم، بی‌تا: ۳۹۸؛ فوران، ۱۳۹۲: ۱۷۱؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۴۲). در دوره فتحعلی شاه قاجار دستگاه اداری اندکی گسترش یافت؛ اما به‌لحاظ ساختار سیاسی تفاوتی نسبت به دوره‌های قبل به‌وجود نیامد (سپهر، ۱۳۴۴: ۱/ ۲۵۵). این مشکل اساسی در نوع حکومت‌داری، حتی در آن دوره‌های رونق نسبی، فقدان یک ساز و کار پویای درونی بود که دگرگونی اساسی را در اجزای آن نظام فراهم نکرد (سیف، ۱۳۸۷: ۱۸-۲۰). به نظر می‌رسد، ناصرالدین شاه قاجار مولفه‌های برشمرده برای یک پادشاه پاتریمونیا ل را دارا بود. او نیروی خودکامه و قدرت مطلق

اعمال بی‌قانونی را در انحصار داشت و به اعتقاد امین‌الدوله، «معنا هر چه در دربار تهران می‌گذشت، آن بود که شاه اراده می‌کرد» (امین‌الدوله، ۱۳۷۰: ۲۱). به‌مانند ساختار دولت پاتریمونیا، در عصر ناصری شورای دولت به‌وجود آمد، «مجلس مصلحت‌خانه» و «مجمع فراموشخانه» تأسیس گردید، اما با توجه به مخالفت پادشاه که قدرت و اختیاراتش را محدود می‌دید، اصلاحات با شکست مواجه شد (آدمیت، ۱۳۸۵: ۶۳).

در ساختار سیاسی حکومت‌های ایران، نظام زمین‌داری تحت اختیارات پادشاه قرار داشت و به‌وسیله او، دستخوش تغییراتی می‌شد. در دوره میانه، طبقه مسلط به نیابت از دولت، زمین‌های کشاورزی را بر مبنای اقطاع و تیول اداره می‌کرد که به نهاد اروپایی «بنفیس» شباهت داشت. «اقطاع» در سده‌های میانه و «تیول» در دوره‌های بعد به‌صورت غیرموروثی واگذار شد و اساساً واگذاری حق استفاده از مالیات‌های یک منطقه بود. «سیورغال» نیز که به سپاهیان برجسته مغول و ترکمان واگذار می‌گردید، بسیار به «فیف» اروپایی شباهت داشت، از این‌رو که موروثی بود و فرد دارای آن را واجد مصونیت قضایی، اداری و مالی می‌کرد (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۸: ۳۴-۳۵). آن‌چه مشخص است، اقطاع شکل مسلط مالکیت ارضی در ایران دوره میانه بود و خصوصیات ویژه مناسبات مالکیت را تا دوره مشروطیت نشان می‌داد (ولی، ۱۳۸۰: ۳۲۴). سیاست‌های اقطاعی اگرچه از دوره‌های نخستین قرون اسلامی مورد استفاده قرار گرفت، در عصر سلجوقیان تحت تأثیر ضرورت‌های اقتصادی و مقتضیات روز به شکل گسترده اجرا شد (صدقی، ۱۳۸۷: ۳۸). دوره ایلخانان مالکیت خصوصی به‌صورت شرطی (اقطاعی) و چه به‌صورت غیرشرطی (ملک)، به حساب اراضی دیوانی گسترش پرده‌ای داشت (پتروشفسکی، ۱۳۶۶: ۴۶ و ۴۹). در عصر صفویه نهادهای اقطاع، تیول و سیورغال، روش مهمی برای پرداخت مزد به وزرا، دیوانسالاران و سپاهیان گردید و صفویان کوشیدند تا بین دیوانسالاران ایرانی و سپاهیان ترک انسجام ایجاد کنند (لمبتون، ۱۳۷۷: ۲۲۵-۲۲۷). از زمان آغامحمد خان قاجار، به‌مانند دوره‌های گذشته، اراضی با عنوان تیول واگذار می‌شد. تیول به‌عنوان روشی برای عطایا استفاده گردید. نمونه‌ای از آن، اعطای زمین‌های خالصه به‌جای حقوق و مواجب بود یا تیول عشایری که موظف بودند در عوض قوای نظامی، بنیچه فراهم کنند (همان: ۲۶۶) در اواخر دوره ناصری با توجه به شکست در قراردادهای تجاری و مشکلات روزافزون اقتصادی، انباشت وام‌ها، افزایش کسری تراز پرداخت‌ها، کاهش سریع ارزش پول، افزایش واردات، کاهش صادرات و سست شدن کنترل تدریجی دولت، تحول عمده در نظام زمین‌داری پدید آمد که به مانند الگوی پاتریمونیا، شاه با اختیارات کامل به فروش اراضی خالصه پرداخت. نتیجه این اقدام، افزایش قدرت زمین‌داران، تمایل تیولداران به خصوصی کردن املاک تیول و سوم سرمایه‌گذاری تجار بزرگ در املاک مزروعی بود (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۸۷ و ۹۰). در واقع به‌مانند الگوی پاتریمونیا، پادشاه بخشی از سلطه مشروع خود را که بر اراضی خالصه تعریف می‌شد، با توجه به نیاز دولت به کارگزاران و واگذار کرد. قاجارها در این برهه به واگذاری حق درآمد زمین‌های سلطنتی به مقام‌ها، نورچشمی‌ها و

سران نظامی ادامه دادند. بارزترین نتیجه، گسترش املاک خصوصی بود و تیول غالباً به ملک خصوصی تیول‌دار تبدیل شد (فوران، ۱۳۹۲: ۱۹۰). ک. ای. ابوت در گزارشی به پیامدهای اولیه این سیاست‌ها با افزایش قدرت زمین‌داران گیلان و استقلال آنان در برابر حکومت گیلان می‌پردازد که بی‌شماره از قدرتشان سوء استفاده می‌کردند (لمبتون، ۱۳۷۵: ۸۶).

در بررسی جنبش‌ها، به عقیدهٔ ماکس وبر، هر نظامی مبنای خود را صرفاً به اجبار فیزیکی یا اقتضای صرف قرار دهد، نمی‌تواند برقرار بماند. هر قدر حاکم به مزدوران اتکا کند، بیشتر به قدرت آنان برای مطیع کردن توده‌های مردم وابسته می‌شود. اندکی بعد نیروهای خود را قادر به چنگ آوردن تیول، اقطاع و سایر امتیازات می‌بیند که به نوبهٔ خود از افراد تحت فرمان مالیات‌های بیشتری می‌گیرند. حاکم پاتریمونیال برای پاسخگویی به تقاضای کارمندان خود باید مرتباً به فقیر کردن بیشتر رعایا پردازد و این در حالی است که او همچنان خود را پدر مردم معرفی می‌کند. این قبیل تناقض‌های اقتصادی در ساختار جوامع وراثتی، مخالفت‌هایی در بین توده‌ها برمی‌انگیزد که غالباً شکل طغیان و جنبش به خود می‌گیرند (ترنر، ۱۳۷۹: ۳۸ و ۱۴۰). در دوران پیش از مشروطه، در کنار شاخص‌های متعدد، فقدان قانون، شکست اصلاحات و اقدامات خودسرانه در وضع قراردادهای تجاری و قوانینی مانند زمین‌داری، عوامل لازم برای ابراز ناراضی و اعتراضات بودند. اگر بر اساس مفهوم آزادی آیزیا برلین بیان نمائیم، مشروطه‌خواهان خواستار آزادی از حکومت استبدادی بودند که با یک چارچوب و مصون از تعرض تضمین می‌گردید (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۳۷۱-۳۷۲). از اهداف جنبش مشروطه، انتقال حکومت از شاه به ملت بود تا راه‌حلی برای عبور از بحران‌ها فراهم گردد. با پیروزی جنبش مشروطه و تحدید اختیارات پادشاه که در اصول ۱۵، ۱۷، ۲۶ و ۳۵ متمم قانون اساسی به آن پرداخته شد (میرزاصالح، ۱۳۸۲: ۷۷۷-۷۷۸)، در ظاهر ساختار نظام سیاسی ایران تغییر یافت؛ اما دگرگونی‌چندانی در اوضاع حاصل نگردید. در تبیین قسمتی از این ناکامی‌ها، می‌بایست به گروه‌های وابسته به دولت پرداخت که از دلایل شکست مشروطیت بودند. گروه‌های وابسته به دولت پاتریمونیال، از دیرباز به‌عنوان کارگزار و نیروی اجرایی، به‌رغم مشارکت برخی از آن‌ها در جنبش مشروطه، حاضر به صرفه‌نظر از منافع کسب شده به نفع مشروطیت نبودند. برخی از خوانین، علما و شاهزادگان در بدنهٔ مجلس و دولت، مانع تحقق نهایی خواسته‌های مشروطه‌خواهان گردیدند. به عبارت دقیق‌تر، مشروطه اگرچه توانست در نوع حکومت‌داری تغییراتی ایجاد کند، در زمینهٔ اصلاحات ساختاری برای حذف و یا به حاشیه راندن کارگزاران وابسته به ساختار پیشین ناموفق بود. نحوهٔ انتخابات نمایندگی، حضور برخی از عناصر طرفدار ساختار سیاسی پیشین در مجلس و ترکیب اعضای انجمن‌های ایالتی و ولایتی، از جمله مواردی هستند که در این رابطه می‌توان برشمرد (کرمانی، ۱۳۹۷: ۳۱ و ۳۶-۳۷). به‌نظر می‌رسد، گروه‌های وابسته به دولت پاتریمونیال، با کسب جایگاه و ثروت در سال‌های پیش از مشروطه، با هدف حفظ موقعیت، مانع عمده در روند اصلاحات گردیدند و با هرگونه

تغییر جز در راستای منافع و خواسته‌های جناحی و شخصی مخالفت ورزیدند. مشارکت این گروه‌ها به‌عنوان کارگزار دولت پاتریمونیال در ساختار نظام سیاسی جدید، نتیجه‌ای جز تداوم سیاست‌های سال‌های پیش از مشروطه نداشت که در سلطه به گروه‌هایی از جامعه و حفظ منافع اقتصادی مشاهده شد.

۴. سیاست‌های اقتصادی دولت قاجاریه در ولایت خمسه

در دوره قاجار پس از خاندان شاهی، روسای قبایل و خوانین قرار داشتند. این گروه‌ها با خرید و اعطای زمین از سوی پادشاه پاتریمونیال، در خدمت نظامی دولت بودند. در منطقه خمسه زمین‌های فراوانی به خاندان‌های مهم واگذار شد. آماری از زنجان به سال ۱۲۹۶ه.ق، واگذاری نزدیک به ۹۰۰ روستا را به خرده‌مالکان نشان می‌دهد (لمبتن، بی‌تا: ۱۸ و ۲۹۲). در این دوره با افزایش فروش زمین به خوانین ایلی و شهری مواجه‌ایم. بر اساس یک گزارش از زنجان، «از هفده بلوک، ابهرود نایب داشت که طی دو سال، قرار بر وقفش بود. تمامی زمین‌ها اربابی شده و متنفذین خریده بودند» (سالور، ۱۳۷۴/۲: ۱۴۹۴). به‌نظر می‌رسد پیدایش و رشد باثبات ملاکین، موجب کشمکش‌های فراوان بر سر زمین‌های بیشتر و کسب جایگاه بالاتر گردید. در سال‌های پیش از مشروطه، دولت با فروش و اعطای زمین به خوانین افشاری، ذوالفقاری و مظفری، حیات جدید اجتماعی_سیاسی منطقه را ترسیم کرد و خوانین نیز سایر زمین‌ها را به تدریج به‌دست آوردند (رضایی، ۱۳۹۸: ۲۱-۲۲؛ ساکما، ۲۰۱۰/۰۰۲۶۱۲).

خاندان مظفری زنجان از اوایل دوره قاجار با انجام وظایف نظامی و سیاسی، زمین‌های فراوانی دریافت کردند (روزنامه دولت علیه ایران، ۱۲۸۴: ۳)؛ اما در عصر مشروطه با توجه به مشکلات مالی، بیشتر زمین‌ها را به خاندان دین‌مدار شیخ‌الاسلام فروختند (رضایی، ۱۳۹۸: ۲۲ و ۵۰). ذوالفقاری‌ها از دیگر خاندان‌های شهری زمین‌دار، با وابستگی به دولت، در کانون سیاست‌گذاری‌ها قرار داشتند. «ذوالفقارخان سوم (اسعدالدوله)»^۱ در سال‌های مشروطه، ریاست خاندان را بر عهده داشت (فرامین شاهی در دوره قاجار، ۱۳۹۴: ۸۲). افشارهای قیدار، سومین نیروی برجسته منطقه بودند. در الگوی پاتریمونیال، شاه یا حاکم، همدستان را از میان نوکران، فتودال‌ها و متنفذان محلی اجیر می‌کرد، یا از خدمات اشخاص بیرون از دایره پاتریمونیال استفاده می‌نمود. بنابراین کسانی که قدرت‌شان وابسته به پادشاه بودند، انتخاب می‌شدند (فروند، ۱۳۸۳: ۲۲۸). در این راستا، افشارها با مرگ بزرگ ایل حسن‌علی‌خان سردار فاتح، سستی در خاندان‌شان به‌وجود آمد، تا این‌که فرزندش «جهانشاه‌خان امیرافشار»^۲ با

^۱. ذوالفقارخان سوم فرزند حسین‌قلی ناظم‌الدوله تاریخ تولدش معلوم نیست؛ اما به‌نظر می‌رسد در روستای قلتق شهر زنجان به‌دنیا آمد (مصاحبه با محمدحسین ذوالفقاری، ۱۳۹۹). در جنگ هرات به‌همراه سوارانش حضور داشت (هدایت، ۹/۱۳۸۰: ۷۱۳-۷۱۴). سال ۱۳۰۳ ه.ق نشان سرتیپ اولی دریافت کرد (فرامین شاهی در دوره قاجار، ۱۳۹۴: ۸۲). اسعدالدوله در حوادث مشروطیت مورد توجه دربار، مجلس و گروه‌های مختلف منطقه خمسه بود (همان: ۹۴ و ۱۳۲).

^۲. جهانشاه فرزند حسن‌علی‌خان به سال ۱۲۷۲ ه.ق، در روستای کرسف منطقه قیدار (شهرستان خدابنده امروزی) به‌دنیا آمد (جهانشاهلو، ۱۳۹۹: ۱۶۳). پدرش مورد توجه ناصرالدین شاه بود. پس از مرگ پدر با ریاست یوسف‌خان سرتیپ، به خدمت فرا خوانده شد. با عزل

حمایت قاجارها به قدرت رسید (سالور، ۲/۱۳۷۴: ۱۴۹۵ و ۱۵۴۳).

در دوره مظفری با ادامه سیاست‌های زمین‌داری در فروش املاک خالصه و زوال تدریجی خاندان مظفری، خوانین ذوالفقاری و افشار بر سر ریاست منطقه و تصاحب اراضی به رقابت پرداختند. این مناقشه دوره‌ای از بحران را در منطقه به وجود آورد که تا سال‌های پس از مشروطه ادامه داشت.

۵. نتایج نخستین سیاست‌های دولت قاجار بر مسئله زمین در زنجان

در دوره مظفرالدین شاه، تلاش‌های ابتدایی دولت امین‌الدوله با هدف مهار نیروهای مرکزگرای آغاز شد. امین‌الدوله با این باور که حقوق کارگزاران با دادن برات، موجب ستم‌های بسیار بر رعایا می‌شد، خواستار پرداخت از خزانه مرکزی گردید؛ اما این سیاست با توجه به اقتدار پادشاه قاجار و الگوی پاتریمونیا که فقط نسب و سرسپردگی افراد مورد توجه بود، غیرممکن به نظر می‌رسید، مضافاً این که اغلب خاندان‌ها از دوره‌های گذشته جایگاه مهمی در بین دربار و دولتیان داشتند. این عناصر در قالب شاهزادگان، درباریان و علما، مانع محکمی در مقابل اصلاحات بودند (امین‌الدوله، ۱۳۷۰: ۲۳۹). با برکناری امین‌الدوله و به قدرت رسیدن امین‌السلطان، نفوذ این گروه‌های وابسته در بدنه حکومت و شکست اندیشه اصلاحات نمایان شد. باید افزود، در این برهه سیاست فروش املاک خالصه ادامه یافت. به گزارش پالویچ، واگذاری اراضی سلطنتی و موقوفه به مقام‌های دولتی، روحانیون و بازرگانان آهنگ شتابانی داشت (فوران، ۱۳۹۲: ۱۹۰). در اواسط دوره ناصری که دولت درصدد واگذاری زمین‌های خالصه بود، امیرافشار با جلب حمایت امین‌السلطان، به ریاست ایل افشار رسید و زمین‌های فراوانی تصاحب کرد (جهانشاهلو، ۱۳۹۹: ۱۶۲-۱۶۳). در دوره مظفری با به قدرت رسیدن دوباره امین‌السلطان، میدان برای امیرافشار وسیع‌تر گردید و دامنه نفوذش را افزایش داد. اسعدالدوله نیز با توجه به مأموریت‌های دولتی و رابطه با پادشاه و درباریان، زمین‌های متعددی به دست آورد (سالور، ۲/۱۳۷۴: ۱۴۹۵). همان‌طور که در نظریه دولت پاتریمونیا ارائه گردید، یکی از نتایج اعطای زمین و برکشیدن زمین‌داران، تنازع میان منافع زمین‌داران با پادشاه بود. به گونه‌ای که در سال‌های پایانی سلطنت ناصرالدین شاه، امیرافشار در جریان درگیری با حاکم قاجاری زنجان احتشام‌الدوله، به‌طور آشکار در مقابل دولت ایستاد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۹۷ و ۱۰۱).

در دوره مظفری با عدم تغییر در ساختار سیاسی دولت پاتریمونیا قاجار و رویکرد سنتی نسبت به حفظ ثبات و امنیت، راه برای اقتدار کارگزاران هموار گردید. در نامه‌ای از شاه به امین‌السلطان، اختیار تنبیه، تبعید و سیاست مردم به این کارگزار قاجاری واگذار شد (اسناد انجمن تاریخ زنجان، نامه شاه به

یوسف‌خان، امیرافشار به یاری امین‌السلطان با هزار تومان پیشکشی به شاه و دریافت یک قبضه شمشیر، به ریاست ایل نائل آمد (همان: ۱۲۱-۱۲۲). در این برهه منطقه نفوذ امیرافشار با پشتیبانی امین‌السلطان، بخش‌های بزرگی از خمسه را در بر گرفت (محسن‌اردبیلی، ۱۳۸۰: ۱۰۱).

امین‌السلطان، ۱۴۰۰). این بی‌توجهی و رویکرد آمرانه در رسیدگی به وضعیت مردم و قدرتی که امین‌السلطان به‌دست آورد، شرایط را برای امیرافشار و اسعدالدوله فراهم کرد. بنابراین سال‌های پیش از مشروطه، زمین‌های مرغوب روستای «خوئین» در زنجان که در دوره فتحعلی‌شاه سالانه سه هزار تومان مالیات می‌پرداخت (کمومامشا، ۰۲-۰۱۵-۰۰۰۰۱۷۹۱۰)، سرآغاز درگیری‌ها شد. با شروع رقابت‌های خوانین، جمعی از علمای خوئین تصمیم به مقاومت گرفتند و با ارائه اسناد استفتاء از علما، در عدلیه حاضر شدند. بر اساس مجموع اسناد، نخستین بار استفتاء در سال ۱۳۱۰ ه.ق انجام شد و وقفیت چهار روستا به تأیید علما رسید. به‌نظر می‌رسد با توجه به بازه زمانی پنج ساله (۱۳۱۰-۱۳۱۵ ه.ق) برای استفتاء، این فشار از سوی خوانین ادامه داشته است. خوانین با تهدید و تطمیع روستائیان، سعی در تصرف زمین‌ها داشتند. با دامنه‌دار شدن فشارها، ریش‌سفیدان نامه‌ای به پادشاه نوشتند؛ اما با توجه به وابستگی خوانین به بدنه دولت، نامه فرمانفرما به امیرافشار صرفاً گلایه‌آمیز بود (ساکما، ۲۹۸/۰۰۲۱۵۳).

در آستانه مشروطه، سیدعبدالله بهبهانی و ملاقربانعلی تصمیم به پایان دادن منازعه‌های زمین‌داران زنجان گرفتند. در سندی که امضای ملاقربانعلی و بهبهانی دیده می‌شد، برخی از روستاها در مقابل ۱۲۵۰۰ تومان وجه نقد و در ضمن عقد خارج، مدت ۵۰ سال مصالحه شدند؛ اما در پایان با توجه به فساد کارگزاران و ناکارآمدی مأموران، خوانین راضی به مصالحه نهایی نشدند و خواسته‌های مردم نیز نادیده گرفته شد (همان اسناد). روابط دیوان‌سالاران با خوانین و ادامه سیاست‌های فروش املاک خالصه، موجب تشدید رقابت‌های زمین‌داران زنجان در سال‌های مشروطه شد. در عصر مشروطه نیز خوانین با حمایت علما و درباریان و با استفاده از بحران‌های سیاسی و ضعف نهادهای اجرایی، سعی بر تحقق خواسته‌هایشان گرفتند.

۶. دامنه و تأثیر ستیزه‌های خوانین زنجان در اوایل مشروطه

با آغاز مشروطیت، رقابت‌های خوانین زنجان افزایش یافت. نخستین منطقه برای درگیری، «طارم» محدوده ایل «دلاغرده» بود. این ایل در اواسط دوره ناصری به امیرافشار سپرده شد، سپس مظفرالدین شاه سرپرستی دلاغرده را به مظفرالدوله واگذار کرد؛ اما با شکایت اهالی نسبت به ظلم و ستم خان، ریاست ایل به اسعدالدوله رسید. اسعدالدوله نیز با مردم به خوبی رفتار نکرد، تا این‌که با شکایت‌های مردم، دوباره امیرافشار ریاست را به‌دست آورد. در الگوی پاتریمونیال، کارگزاران و مأمورین دولت ابزار تحمیلی به‌شمار می‌رفتند و این جابجایی بدون توجه به نیاز مردم، عامل مهمی در منازعه‌ها بود. به‌گفته نمایندگان دلاغرده، حکم ریاست امیرافشار، زمان حضور در تهران صادر شد و اسعدالدوله با دریافت این خبر و به تلافی شکایت‌های مردم، دوبار به قتل و غارت اهالی پرداخت (روزنامه صبح صادق، ۱ محرم ۱۳۲۵: ۵؛ ۱۴: 1997: sheykholeslami). بر اساس نامه‌ای که نمایندگان دلاغرده به تهران ارسال

کردند، ۱۹ روستا مورد تجاوز قرار گرفت (روزنامه حبل‌المتین تهران، ۲ ذیقعدہ ۱۳۲۵: ۴).
 دومین منطقه برای تصرف زمین، «خومین‌چایی» و «خوئین» بودند. این مناطق به دلیل همجواری با زمین‌های سالارالدوله، مورد طمع قرار گرفت؛ اما اهالی حاضر به فروش نشدند. اسعدالدوله که در نزدیکی خوئین تعدادی روستا داشت، با وساطت دامادش امیربهادر جنگ و در ازاء پرداخت ۱۶ هزار تومان به سالارالدوله، اختیار تصرف زمین‌ها را به دست آورد. در این بین امیرافشار با ادعای مالکیت، طرح تقسیم زمین‌ها را مطرح نمود؛ اما مورد موافقت اسعدالدوله قرار نگرفت. بنابراین بهانه برای حمله سواران امیرافشار فراهم گردید (کوماشا، ۲-۱۵-۰۰۰۰-۱۷۹۱۰؛ همایون‌فرخ، ۱۳۲۳: ۹-۱۱). بر اساس یک نامه، امیرافشار برای فشار به اسعدالدوله، ۲۰۰ سوار شاهسون و اصانلو را به منطقه فرستاد (روزنامه حبل‌المتین تهران، ۹ رمضان ۱۳۲۵: ۳-۴). با توجه به مجموع نامه‌ها، این مناطق شامل خوئین، حلب و بیست روستای دیگر بودند (ساکما، ۲۹۸/۰۰۲۱۵۳).

سومین منطقه برای رقابت، محل اتراق «ایل دوبرین» بود. در سال‌های پیش از مشروطه، فرمان‌هایی برای انسجام بیلاقات دوبرین صادر شد (اسناد انجمن تاریخ زنجان، فرمان مظفرالدین شاه پیرامون ایل دوبرین، ۱۴۰۰)؛ اما ایل که بیلاقاتش در تخت‌سلیمان و قشلاقتش تا پای رود قزل‌اوزن امتداد داشت، به واسطه نداشتن رئیس معتبر رو به نابودی گذاشت (سالور، ۱۳۷۴/۲: ۱۵۸۲-۱۵۸۳). در سال‌های پیش از مشروطه، روابط امیرافشار با خوانین ایل مساعد بود؛ اما در سال ۱۳۲۵ ه.ق، با توجه به ضعف دولت مشروطه و گرفتاری‌های مجلس، امیرافشار با تصرف زمین‌های ایل دوبرین، موجب کوچ اجباری اهالی شد (کوماشا، ۱۰۴۶۰-۲۱۶۱۳). به عقیده نمایندگان دوبرین، حمله‌های امیرافشار با مقابله اسعدالدوله در تحریک برخی خوانین برای تصرف سایر زمین‌ها همراه گردید (ساکما، ۲۹۸/۰۰۲۱۵۳). بنا به اظهارات امیرافشار، نیروهای اسعدالدوله علاوه بر غارت پنج قشلاق، شاه‌محمد یاور و سیدمهدی از معتمدین محل را به قتل رساندند (روزنامه صبح صادق، ۱ محرم ۱۳۲۵: ۵). در مقابل این حمله‌ها، سواران امیرافشار پنج هزار تومان مبلغ اجاره طارم و محصولات روستای گلابر را از بین بردند. به گزارش انجمن ولایتی، میزان خسارت‌های طارم چشمگیر بود (روزنامه صبح صادق، ۹ رمضان ۱۳۲۵: ص ۱).

در ماه‌های نخستین ۱۳۲۵ ه.ق، نامه‌های فراوانی با امضاء محفوظ به تهران ارسال شد. در یک نامه سواران امیرافشار ۲۵ روستای طارم و خومین‌چایی را غارت و روستائیان را در زمستان آواره بیابان‌ها کردند (روزنامه حبل‌المتین تهران، ۱۹ شوال ۱۳۲۵: ۳-۴). با توجه به یک گزارش اهالی دلاغرده، اسعدالدوله برای تلافی حمله‌های امیرافشار، با دو بار حمله و کشتن ۱۲ نفر از مردان و برهنه کردن زنان، ایل را غارت کرد. در ادامه «نمایندگان ایل برای شکایت به تهران رفتند؛ اما با نداشتن پول و مکان سکونت، آواره شدند» (روزنامه مجلس، ۲۷ شوال ۱۳۲۵: ۱-۲). احضار امیرافشار به تهران با توجه به الگوی پاتریمونیال در جانبداری شاه از زیردستان، وابستگی به

نیروی خوانین و حفظ وضعیت موجود بی‌نتیجه بود. به گفتهٔ طلاب و تجار زنجان، امیرافشار بعد از احضار بی‌حاصل به تهران و بازگشت به منطقه، سواران شاهسون و اصانلو را به منطقهٔ خومین‌چایی روانه کرد و روستاهای اسعدالدوله غارت شدند. بر اساس یک نامه، زن‌های حامله و دخترهای باکرهٔ دلاغرده گرفتار و مردان بی‌خانمان شدند و سواران هر دو روز یکبار، اسرای وابسته به اسعدالدوله را به فلک بستند (sheykholeslami, 1997; 14-16؛ همان: ۳-۴). اخبار تعرض به زنان قابل تأمل بود. در یک نامه، خبر برداشتن بکارت دختران گزارش شد. بر اساس مجموع نامه‌ها، شکایت‌ها از امیرافشار به دولت، بیشتر از اسعدالدوله به‌نظر می‌رسید. این موضوع با توجه به اهمال در رسیدگی به شکایات، نشان از ناخشنودی دولت پاتریمونیال قاجار از اصلاح ساختار سیاسی به مشروطیت و وابستگی کارگزاران به نظم قدیم داشت. امیرافشار در ادامهٔ فشارها، خوانین ایل قولی‌قیسا و مفخم‌نظام را مأمور غارت روستاهای اسعدالدوله کرد (روزنامه صبح صادق، ۸ ذی‌قعدة ۱۳۲۵: ۲). در شکایتی دیگر از نمایندگان دلاغرده، هفت نفر از زنان سقط کرده و برخی کشته شده بودند (روزنامه حبل‌المتین تهران، ۲۰ ذی‌قعدة ۱۳۲۵: ۴). نتیجهٔ این غارت‌ها، فرار اهالی به گیلان، روستاهای طارم و پناهندگی به دفتر انجمن ولایتی زنجان بود (روزنامه حبل‌المتین تهران، ۸ ذی‌حجه ۱۳۲۵: ۳).

۷. دولت و مجلس مشروطه و بحران زمین‌داری زنجان

با فرمان مشروطیت از سوی مظفرالدین‌شاه، امید بسیاری به تغییر ساختار سیاسی-اجتماعی و تصویب قوانین به سود فرودستان وجود داشت؛ اما این امیدها اندکی بعد با به قدرت رسیدن محمدعلی شاه از بین رفت. او برای براندازی نظام جدید و حفظ ساختار دولت پاتریمونیال، شروع به مخالفت با مشروطه کرد. در زنجان با حمایت از جبهه ضد مشروطه به رهبری ملاقربانعلی، سعی در اعزام نماینده همسو با خواسته‌هایش به مجلس گرفت (زنجان، ۱۳۹۳: ۲۲۹-۲۳۰). در جریان قتل سعدالسلطنه حاکم زنجان به‌دست مخالفان مشروطه، اقدامی صورت نداد و حتی روزنامه دولتی ایران که وقایع مهم را درج می‌کرد، خاموشی گزید (روزنامه ایران، پنجشنبه ۱۷ شعبان ۱۳۲۵: ۳). هم‌چنین شاه برای مقاومت در برابر مشروطه، با خوانین زنجان به‌وسیلهٔ کامران میرزا پدرزنش همکاری نمود (مذاکرات مجلس اول، ۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵، جلسه ۸۶). از سوی دیگر، در میان درخواست‌های بزرگان مشروطه، موردی مطرح نشد که به‌طور غیرمستقیم با زندگی رعیت ارتباط داشته باشد. در فرمان‌های انتخابات، موقعیت این بخش جامعه مبهم ماند. از میان ۱۳۶ نفر عضو مجلس، سه نماینده فلاحین شغل دیگری داشتند. انجمن‌های

ایالتی و ولایتی نیز همین ترکیب را داشتند و اغلب وابسته به زمین‌داران بودند (یزدانی، ۱۴۰۱: ۷۵-۷۶). بر اساس ماده ۱۵ متمم قانون اساسی، هیچ ملکی بدون مجوز شرعی و تعیین و تأدیه قیمت عادلانه، اجازه تصرف نداشت. در ماده ۱۶ «ضبط املاک و اموال مردم به حکم قانون» درج شده بود (لمبتن، ۱۳۷۷: ۳۳۱). تصویب این مواد با توجه به نفوذ و جایگاه زمین‌داران، به ضرر فرودستان به نظر می‌رسید. باید افزود، کمیسیون مالیه مجلس به لغو تیول‌داری رأی داد و مقرر شد خود دولت به جمع‌آوری مالیات بپردازد و در عوض مالکان حقوق خود را مستقیم از خزانه دولت با اقساط مقرر در یافت کنند؛ اما تفاوت عمل یا مالیات اضافه از دوش رعایا برداشته نشد و رعایا همچنان موظف به پرداخت بودند، منتهی به جای ارباب ملک، مستقیم به خزانه دولت پرداخت می‌کردند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۵۷۶-۵۷۷؛ کسروی، ۱۳۸۳: ۲۲۹). در این بین مأموران دولت نیز کسانی غیر از نمایندگان خود ملاکان نبودند و در واقع قدرت همچنان در دست مالکان باقی ماند (لمبتن، ۱۳۷۷: ۳۳۳).

با این مواضع مجلس و مخالفت تدریجی شاه با نهاد مشروطه و وابستگی خوانین به دولت و دربار، درگیری‌های زمین‌داران زنجان وارد مرحله جدیدی شد. با توجه به حوادث زنجان، امیرافشار برای ارائه توضیح به تهران فراخوانده شد؛ اما براساس الگوی پاتریمونیال که شاه در مواقع ضروری از نیروهای زیردست برای اهداف و خواسته‌ها استفاده می‌کرد، با توجه به قتل سعدالسلطنه، برای برقراری آرامش به منطقه بازگشت (مذاکرات مجلس، ۲ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵: جلسه ۱۲۲). با رسیدن امیرافشار، آغاز درگیری‌ها دور از انتظار نبود. به عقیده شیخ ابراهیم زنجان، وضعیت امیرافشار بر همگان آشکار بود و برای این بی‌مبالاتی در واگذاری مأموریت، باید اقدامی صورت می‌گرفت؛ اما وابستگی متقابل این نیروها و شاه، اعتراضی باقی نمی‌گذاشت. به نظر می‌رسد با توجه به ترکیب نمایندگان در مجلس، امام‌جمعه خوبی در صف حامیان امیرافشار قرار داشت (روزنامه مجلس، ۶ رمضان ۱۳۲۵: ۳-۴). در ماه‌های میانه ۱۳۲۵ ه.ق، امیرافشار و منیع‌الدوله (به نمایندگی از اسعدالدوله)، نامه‌های جداگانه به امام‌جمعه خوبی فرستادند (روزنامه صبح صادق، غره ذی‌حجه ۱۳۲۵: ۳-۴). با عنایت به مواضع دولت و مجلس در قبال مردم، نمایندگان اعزامی به تهران، ناامید از رسیدگی به شکایات‌ها بودند (روزنامه مجلس، ۲۷ شوال ۱۳۲۵: ۲).

در ماه‌های پایانی سال ۱۳۲۵ ه.ق، با توجه به افزایش فشارها و شکایات فراوان، دولت و مجلس تصمیم به محاکمه خوانین گرفتند. مردم با آگاهی نسبت به عملکرد دولت و مجلس، در اضطراب بودند. بنابراین در نامه‌ای به وزیر عدلیه، خواستار قطع نفوذ خوانین و اعزام مأموران صالح برای رسیدگی شدند. هدایت به‌عنوان وزیر عدلیه در پاسخ، سلامت داوران و روند رسیدگی به شکایات‌ها را تضمین کرد (ساکما، ۲۹۸/۰۴۵۸۲)؛ اما به نظر می‌رسید، با توجه به تأخیر در روند دادرسی، نگرانی مردم بی‌مورد نبود.

دادرسی با حضور وکلای مردم و خوانین در ۱۶ ذی‌حجه ۱۳۲۵ ه.ق آغاز شد. سیدیعقوب وکیل امیرافشار با بیان این مطلب که امیربهداد جنگ داماد اسعدالدوله به زور در یک اتاق در بسته قباله گرفته بود، اقامه دعوی کرد. او نامه‌هایی از بهبهانی و ملاقربانعلی در تأیید ادعاهای ملکی ارائه داد. وکیل امیرافشار خواستار روستاهای مورد نزاع بود. باید افزود، برخلاف ادعای سیدیعقوب، بهبهانی فقط مالکیت امیرافشار بر پنج روستا را تأیید کرد. در مقابل وکلای مردم با تکرار مطالبات سال‌های پیش از مشروطه، زمین‌های مورد نزاع را موقوفه اعلام کردند و این خواسته‌ها را بی‌مورد دانستند. اسعدالدوله به‌علت کهولت سن، مسعودالملک و فرزندش منیع‌الدوله را وکیل قرار داده بود (ساکما، ۲۱۵۳/۰۰۲۹۸). به‌عقیده منیع‌الدوله، «امیرافشار با سوء استفاده از مقام و موقعیت، با تلمیح برخی از علما و درباریان، احکام شرعیه ارائه می‌داد»^۱ (روزنامه حبل‌المتین تهران، ۲۴ ذی‌حجه ۱۳۲۵: ۳-۴). این محاکمه به‌دلیل ماه‌های بحرانی مشروطه با وقفه ۱/۵ ماهه مواجه شد؛ اما رئیس مجلس در نامه‌ای به عدلیه، خواستار ادامه دادرسی‌ها گردید (روزنامه صبح صادق، ۹ ذی‌حجه ۱۳۲۵: ۲). مشکلات مردم علاوه بر طرفداری برخی از علما و نفوذ برای تأخیر در روند دادرسی، با جانبداری نماینده زنجان بر اساس اهداف سیاسی همراه بود. توضیح اینکه، امیرافشار حمایت ملاقربانعلی رهبر مخالفان مشروطه را به‌همراه داشت و در مقابل شیخ ابراهیم زنجانی با سرپوش گذاشتن به شکایت‌های اهالی از ذوالفقاری‌ها، آرمان و مصلحت سیاسی را بر خواسته‌های مردم ترجیح داد و در مقابل امیرافشار و ملاقربانعلی، با سکوت نسبت به شکایت مردم، از ذوالفقاری‌ها جانبداری کرد (اسناد انجمن تاریخ زنجان، نامه گلایه‌آمیز خویی‌ها، ۱۴۰۰؛ مذاکرات مجلس اول، ۷ رمضان ۱۳۲۵: جلسه ۱۶۹). در این بین فعالیت‌های انجمن ولایتی قابل توجه است. اگرچه این نهاد از عناصر زمین‌دار زنجان تشکیل شده بود، با مکاتبه مداوم و همکاری با انجمن طلاب تهران، در تبیین واقعیت‌های اجتماعی زنجان تأثیر داشت (روزنامه حبل‌المتین تهران، ۸ ذیحجه ۱۳۲۵: ص ۴).

موضوع رقابت‌های زمین‌داران زنجان موجب منازعه اعضای مجلس با یکدیگر شد و در جریان مذاکرات، احتشام‌السلطنه رئیس مجلس با برشمردن دخالت بهبهانی در پرونده و دریافت پیشکشی هشتاد هزار تومان پول نقد و روغن از امیرافشار، به مشاجره با رهبر مشروطه برخاست. به‌نظر می‌رسد به‌رغم طرفداری بهبهانی از مشروطه، با حمایت از نظم قدیم، به اعتراض نسبت به اصلاح و تغییر نظام حکومتی، جز حفظ و تقویت منافع شخصی نمی‌اندیشید. پایان جلسه مجلس با دخالت نمایندگان و فشار طرفداران بهبهانی در مجلس، به اشتهای رسید و ناکامی دیگری برای مجلس در رسیدگی به وضعیت زمین‌داری رقم زد (کتاب نارنجی، ۴/۱۳۶۷: ۱۰۲؛ احتشام‌السلطنه، ۱۳۹۲: ۶۳۰).

با توجه به وضعیت دولت و مجلس در مقابل مسئله زمین‌داری، خوانین زنجان در اوایل سال ۱۳۲۶ ه.ق،

^۱. منظور محکمه شرعیه ملاقربانعلی در زنجان بود.

دست بالایی در حوادث داشتند. علاوه بر نامه‌های جعلی امیرافشار به مهر و امضاء انجمن ولایتی برای راندن حاکم مشروطه‌خواه زنجان، اخبار شکایت‌های مردم، نشان از شکست تلاش‌ها و موانع دشوار برای رسیدن به خواسته‌ها داشت (روزنامه صبح صادق، ۱۳ محرم ۱۳۲۶: ۳)

۸. سرانجام رقابت‌های خوانین زمین‌دار زنجان

با فتح تهران و پیروزی مشروطه‌خواهان، ساختار سیاسی دولت پاتریمونیا ل قاجار برای همیشه دچار دگرگونی شد؛ اما دولت مشروطه با توجه به شورش‌ها و نبود ارتش دائمی، مجبور به استفاده از نیروی خوانین گردید. خوانین نیز با مشاهده تغییر همیشگی ساختار سیاسی، با دولت و مجلس مشروطه همکاری کردند (احتشام‌السلطنه، ۱۳۹۲: ۶۱۸). این ضعف دولت مشروطه در استفاده از نیروی خوانین، به ضرر فردوستان زنجان تمام شد، زیرا سیف‌الممالک ایل قلی‌قیسالو را چاپید و امیرافشار به‌عنوان مأمور دولت با مشارکت در این موضوع، اقدامی انجام نداد. باید افزود، از عوامل ناامنی‌ها محمد و قاسم خان اصائلو جزو سوارانش بودند، بنابراین برای نابودی اسعدالدوله به این نیروها نیاز داشت (سالور، ۱۳۷۴/۴: ۲۲۱ و ۲۲۶).

با تثبیت حاکمیت دولت و گشایش مجلس دوم، نهادهای قدرت با رقابت‌های درون جناحی در مجلس، شورش‌های مناطق مختلف و حمایت روس‌ها از شاه مخلوع و زمزمه‌های بازگشت او به کشور، دوباره وارد بحران شدند و در نتیجه مسئله زمین‌داری زنجان را به‌دلیل استفاده از نیروی نظامی خوانین کنار گذاشتند (ساکما، ۲۹۰/۰۰۲۶۳۸: ساکما، ۲۱۰/۰۰۲۶۱۲). در این برهه خوانین زنجان در سمت مأموران اجرایی دولت، وظیفه برقراری نظم و امنیت را برعهده داشتند؛ اما با توجه به فرصت به‌دست آمده، دوباره به زمین‌های مردم دست‌درازی کردند (ساکما، ۵۰۵۰۱۸۰-۵۰۲۱۶۱۳: استادوخ، ۲۰-۲۱-P-۲۵K-۱۳۳۷GH).

با بسته شدن مجلس دوم شورای ملی با اولتیماتوم روسیه و مجلس سوم به‌علت آغاز جنگ جهانی اول و همچنین از بین رفتن حاکمیت دولت مشروطه در مناطق مختلف، قدرت‌های محلی به‌تدریج درصدد ناامنی و ادعای حاکمیت برآمدند و زمین‌داران نیز به دستورات دولت اعتنایی نکردند. در این برهه با گرایش امیرافشار به جبهه عثمانی، دولت با فشار روس‌ها تصمیم به تبعید امیرافشار گرفت. حسینقلی‌خان اسعدالدوله که با مرگ پدر، ریاست خاندان ذوالفقاری را برعهده داشت، به‌عنوان نایب‌الحکومه زنجان، اموال امیرافشار را خالصه اعلام کرد (استادوخ، ۱۷-۱۷P-۱۶۶-K-۱۳۳۵GH)؛ اما دولت مشروطه با نبود ارتش دائمی و نیاز به نیروی خوانین، ناگزیر از بازگشت امیرافشار به کشور گردید. پیامدهای این دستگیری، خالصه کردن اموال و بازگشت، دشمنی با خان رقیب (ذوالفقاری‌ها) و تشدید اختلاف‌های گذشته بود (ساکما، ۲۹۳/۰۰۴۹۳۷). به‌نظر می‌رسد، دولت مشروطه توانست قدرت و اختیارات شاه به‌عنوان فرمانروای پاتریمونیا ل را محدود کند؛ اما به‌دلیل ضعف در اصلاحات اساسی و پیوندهای دیرپای دولت‌های ایرانی با کارگزاران و گروه‌های وابسته، نسبت به مهار و تحدید قدرت این گروه‌ها شکست

خورد. این مسئله را می‌توان در مراسم افتتاح مجلس دوم، پس از فتح تهران نیز ملاحظه کرد که سیدحسین تقی‌زاده با مشاهده درباریان و خوانین مخالف مشروطه در رأس مجلس، از حضور این اشخاص برآشفته شد و طی نطقی به انتقاد از حضور استبداد در لباس آزادی پرداخت (روزنامه اطلاعات، ۱۳۸۲: ۳۴). سال‌های پایانی دوره قاجار، زمین‌داران زنجان با توجه به نابسامانی‌های کشور، نفوذ بالایی در منطقه داشتند و مشکلات دولت‌های این دوره و ناکارآمدی مجلس، به افزایش حوزه نفوذشان انجامید و به‌طور آشکار در کار ادارات دولتی دخالت کردند (کسروی، ۱۳۳۵: ۱۵۳-۱۵۴). با به قدرت رسیدن رضاخان و با عنایت به سیاست آمرانه حکومت پهلوی، خوانین زنجان منزوی شدند. در این برهه با نابینایی اسعدالدوله و شکایت مردم از فرزندانش، ذوالفقاری‌ها کاری از پیش نبردند و امیرافشار نیز به عتبات تبعید شد. در سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰ ه.ش، با توجه به تأثیر سیاست‌های زمین‌داری دولت قاجاریه، بی‌توجهی و ناکامی در رسیدگی به خواسته‌های مردم و فقدان اصلاحات اساسی در سال‌های مشروطه و بحران‌های کشور و مشکلات دولت در سال‌های جنگ جهانی دوم، دوباره زمین‌های طارم و منطقه خویین، محل ستیز و کشمکش فرزندان خوانین زنجان گردیدند و دوره‌ای از ناامنی و شکایت‌های مردم آغاز شد (کومامشا، ۱۵-۰۲-۰۰۰۰-۱۷۹۱۰؛ ساکما، ۱۶۸۳۵۱/۳۱۰).

۹. نتیجه

ساختار دولت پاتریمونیال قاجار و سیاست فروش املاک خالصه به کارگزاران، زمینه لازم برای بحران زمین‌داری در زنجان را فراهم کرد. جهانشاه‌خان امیرافشار و ذوالفقارخان اسعدالدوله به‌عنوان مهمترین زمین‌داران و کارگزاران قاجاری در منطقه، با خرید بخشی از اراضی، در زمان ضعف تدریجی دولت در سال‌های بحرانی مشروطه، فرصت را برای افزایش زمین و حذف رقیب مناسب دیدند. دگرگونی نظام پاتریمونیال قاجار در بستر مشروطه به‌طور کامل انجام نگرفت، چون علاوه بر ناکارآمدی نهادهای مشروطه در رفع موانع و مشکلات فرودستان، به‌رغم کاهش قدرت و اختیارات شاه قاجار، نیاز مشروطه به حضور کارگزاران دولت پاتریمونیال قاجار و شکست در حذف گروه‌های وابسته به شاه از بدنه دولت و مجلس مشروطه، موانع مهمی در مقابل تغییرات بودند. در سال‌های پس از مشروطه، با توجه به حضور و دخالت بیگانگان در کشور و ضعف دولت و مجالس مشروطه، خوانین دست بالایی در تحولات سیاسی داشتند و تا برآمدن رضاشاه با توجه به نیاز دولت به نیروی نظامی، با استفاده از موقعیت به‌وجود آمده، در تلاش برای استمرار و افزایش قدرت از راه حذف رقیب برآمدند. به‌رغم اصلاحات آمرانه رضاشاه و حذف تدریجی زمین‌داران، پس از شهریور ۱۳۲۰ ه.ش، بازماندگان خوانین با توجه به اوضاع نابسامان اجتماعی-سیاسی، به ادامه تجاوز به زمین‌های منطقه پرداختند. این موضوع علاوه بر تأثیرات دراز مدت سیاست‌های دولت پاتریمونیال قاجار، نشان از شکست مشروطه در دگرگونی کامل این ساختار از بدنه دولت و جامعه ایرانی داشت.

تعارض منافع

نویسندگان متعهد می‌شوند این مقاله تعارض منافع ندارد

منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۸۵). *اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار*. تهران: خوارزمی.
- احتشام‌السلطنه، محمود (۱۳۹۲). *خاطرات احتشام‌السلطنه*. به کوشش محمدمهدی موسوی. تهران: زوار.
- اسناد انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان (۱۴۰۰). *اسناد دوره قاجار*.
- اشرف، احمد (۱۳۴۶). *جامعه‌شناسی سیاسی ماکس وبر*. مجله سخن، ۱۷ (۱۰)، ۱۰۰۹-۱۰۱۷.
- _____ (۱۳۹۳). *نقد و نظری در علوم انسانی و اجتماعی*. به اهتمام سیدابراهیم اشک شیرین. تهران: گستره.
- اشرف، احمد و بنوعزیزی، علی (۱۳۸۸). *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران*. ترجمه سهیلا ترابی‌فارسانی، تهران: نیلوفر.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ) (۱۳۳۵ق). *توقیف اموال امیرافشار*. شماره سند GH۱۳۳۵-K۶۶-P۱۷-۲۱.
- _____ (۱۳۳۷ق). *شکایت روستاییان از امیرافشار*. شماره سند GH۱۳۳۷-K۲۵-P۲۰-۲۱.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) (۱۳۰۷). *مأموریت امیرافشار و سعدالسلطنه جهت سرکوبی اشرار*. شماره سند، ۲۹۵/۰۰۶۱۳۳.
- _____ (۱۳۲۵). *مأموریت امیرافشار در زنجان*. شماره سند ۲۹۳/۰۰۵۵۳۶.
- _____ (۱۳۱۵-۱۳۲۷). *اسناد روستای خویین*. شماره سند ۲۹۸/۰۰۲۱۵۳.
- _____ (۱۳۲۷). *تلگراف اهالی خمسه به دولت*. شماره سند ۲۱۰/۰۰۷۱۱.
- _____ (۱۳۲۷). *شکایت اهالی خمسه از امیرافشار*. شماره سند ۲۹۸/۰۰۴۵۸۲.
- _____ (۱۳۲۸). *عرایض اهالی صائین قلعه و نصیرآباد*. شماره سند ۵۰۵۰۱۸۰-۰۲۱۶۱۳.
- _____ (۱۳۲۸). *گزارش آصف‌الدوله*. شماره سند ۲۱۰/۰۰۲۶۱۲.
- _____ (۱۳۲۹). *مکاتبه جهان‌شاه‌خان با سالارالدوله*. شماره سند ۲۹۳/۰۰۲۶۹۶.
- _____ (۱۳۲۹). *تبعید مخالفان مشروطه زنجان*. شماره سند ۲۹۰/۰۰۲۶۳۸.

- _____ (۱۳۳۷). لزوم خاتمه منازعه‌های خوانین. شماره سند ۴۹۳۷/۰۰۲۹۳.
- _____ (۱۳۴۵). عدم ارجاع اوامر به اسعدالدوله. شماره سند ۶۸۳۵۱/۳۱۰.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۵۰). *خاطرات اعتمادالسلطنه*. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۵۷). *خلسه*. به کوشش محمود کتیرایی. تهران: توکا.
- امین‌الدوله (۱۳۷۰). *خاطرات سیاسی امین‌الدوله*. به کوشش حافظ فرمانفرمائیان. تهران: امیرکبیر.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی سیاسی*. تهران: نی.
- بندیکس، رونالد (۱۳۸۲). *سیمای ماکس وبر*. مترجم محمود رامبد. تهران: هرمس.
- پارکین، فرانک (۱۳۸۴). *ماکس وبر*. ترجمه شهناز مسمی پرست. تهران: ققنوس.
- پطروشفسکی، ا.پ، کارل یان، جان ماسون اسمیت (۱۳۶۶). *تاریخ اجتماعی-اقتصادی در دوره مغول*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: اطلاعات.
- ترنر، برایان (۱۳۷۹). *ماکس وبر و اسلام*. ترجمه سعید وصالی. تهران: روزافزون.
- جهانشاهلو، قاسم (۱۳۹۹). *تاریخ افشاریه*. به کوشش محسن میرزایی. تهران: شیرازه.
- رضایی، امید (۱۳۹۸). *فهرست مجموعه قبایله‌های اسناد محاکم شرع فارس و زنجان در کتابخانه مجلس شورای اسلامی*. تهران: مرکز اسناد موزه و کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- روزنامه اطلاعات؛ ۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان (۱۳۸۱). تهران: اطلاعات.
- روزنامه ایران (۱۷ شعبان ۱۳۲۵). *والی‌گری فخرالملک*. سال ۶۰ شماره ۱۱. ۳.
- روزنامه ایران نو (۲۳ ذیحجه ۱۳۲۷). *وقایع زنجان*. سال اول. شماره ۹۵. ۲-۳.
- روزنامه برق (۲۰ ذیحجه ۱۳۳۱). *اخبار زنجان*. سال پنجم. شماره ۱۲. ۴.
- روزنامه جبل‌المتین تهران (۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵). *اخبار داخله*. سال اول. شماره ۲۵. ۱-۲.
- _____ (۹ رمضان ۱۳۲۵). *مذاکرات مجلس*. سال اول. شماره ۱۴۴. ۳-۴.
- _____ (۱۹ شوال ۱۳۲۵). *مکتوب زنجان*. سال اول. شماره ۱۷۱. ۳-۴.
- _____ (۱۹ ذیقعه ۱۳۲۵). *خمسه*، سال اول. شماره ۱۸۹. ۶.
- _____ (۸ ذیحجه ۱۳۲۵). *لایحه انجمن طلاب*. سال اول. شماره ۲۰۵. ۳.
- _____ (۲۴ ذیحجه ۱۳۲۵). *مکتوب شهری*. سال اول. شماره ۲۱۰. ۳-۴.
- روزنامه صبح صادق (۹ رمضان ۱۳۲۵). *اخبار مجلس و مکتوب خمسه*. سال اول. نمره ۱۵۶. ۵و۱.
- _____ (۸ ذیقعه ۱۳۲۵). *مکتوب خمسه*. سال اول. شماره ۱۹۵. ۲.
- _____ (غره‌ذی‌حجه ۱۳۲۵). *مکتوب شهری*. سال اول. شماره ۲۰۹. ۳-۴.
- _____ (۹ ذیحجه ۱۳۲۵). *اخبار مجلس*. سال اول. شماره ۲۱۵. ۲.

- _____ (۱۳۲۶ محرم). *از زنگان به تهران*. سال دوم. شماره ۶، ۳.
- روزنامه مجلس (۶ رمضان ۱۳۲۵). *زنگان*. سال اول. شماره ۱۹۴، ۳-۴.
- _____ (۲۷ شوال ۱۳۲۵). *تظلمات*. سال اول. شماره ۲۲۱، ۱-۲.
- زنجانی، ابراهیم (۱۳۹۳). *خاطرات شیخ ابراهیم زنجانی*. به کوشش غلامحسین میرزاصالح. تهران: کویر.
- سالور، قهرمان میرزا (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، جلد دوم، تهران: اساطیر.
- سپهر، محمدتقی (۱۳۴۴). *ناسخ التواریخ*. جلد‌های یکم و دوم. به تصحیح محمدباقر بهبودی. تهران: اسلامیه.
- سرجان ملکم (بی‌تا). *تاریخ ایران*. ترجمه میرزا حیرت. تهران: سعدی.
- سیف، احمد (۱۳۸۷). *قرن گمشده «اقتصاد و جامعه ایران در قرن نوزدهم»*. تهران: نی.
- صدقی، ناصر (۱۳۸۷). *تحلیلی بر سیاست‌های اقتصادی دولت سلجوقی در زمینه نظام مالیاتی*. فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء. ۱۷ (۷۱). ۵۰-۳۱.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲). *تاریخ اقتصادی ایران*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره.
- فرامین شاهی در دوره قاجار «دارالسعادة زنگان» (۱۳۹۴). به کوشش پرستو قاسمی‌اندرود و بهمن خطیبی. زنگان: نیکان کتاب.
- فروند، ژولین (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی ماکس وبر*. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: توتیا.
- فوران، جان (۱۳۹۲). *مقاومت شکننده «تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی»*. ترجمه احمد تدین. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کاظم‌زاده، فیروز (۱۳۹۴). *روس و انگلیس در ایران*. ترجمه منوچهر امیری. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- کتاب نارنجی «اسناد سیاسی وزارت امور خارجه روسیه درباره رویدادهای انقلاب مشروطه» (از اول ژانویه تا آخر ژوئن ۱۹۱۰ میلادی) (۱۳۶۸). جلد چهارم. ترجمه پروین منزوی. تهران: پرواز.
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کومامشا) (۱۳۲۵ ق). *نامه اهالی ایل دویرن مجلس*، شماره سند ۱۰۴۶۰-۰۲۱۶۱۳.
- _____ (۱۳۲۳). *شکایت روستاییان خویین از*
- _____ *ذوالفقاری‌ها*. شماره سند ۱۵-۰۲-۰۰۰۰-۱۷۹۱۰.
- کرمانی، مجدالاسلام (۱۳۹۷). *تاریخ انحطاط مجلس*. تهران: آشیان.
- کسروی، احمد (۱۳۳۵). *شرح زندگانی من «دوره کامل»*. تهران، بنیاد.
- _____ (۱۳۸۳). *تاریخ مشروطه ایران*. چاپ بیستم. تهران: امیرکبیر.
- لمبتن، آک س (۱۳۷۵). *ایران عصر قاجار*. ترجمه سیمین فصیحی. مشهد: جاودان خرد.

- _____ (۱۳۷۷). مالک و زارع در ایران. ترجمه منوچهر امیری. تهران: علمی و فرهنگی.
- لمبتون، آن (بی‌تا). *اوضاع اجتماعی ایران در عهد قاجاریه*. ترجمه منیر برزن. مشهد: خراسان.
- مذاکرات مجالس اول (۱۳۹۴). تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- میرزا صالح، غلامحسین (۱۳۸۴). *مذاکرات مجلس اول*. تهران: مازیار.
- وبر، ماکس (۱۳۹۵). *اقتصاد و جامعه*. مترجمان مهرداد ترابی‌نژاد و همکاران. تهران: سمت.
- ولی، عباس (۱۳۸۰). *ایران پیش از سرمایه‌داری*. تهران: مرکز.
- همایون فرخ، رکن‌الدین (۱۳۲۳). *خوین خونین*. تهران: داد-امیریه.
- یزدانی، سهراب (۱۴۰۱). *روستاییان و مشروطیت ایران*. تهران: ماهی.
- Bureaucratic Empire of The Mughals. patrimonial Balek, Stephen p. (Nov, 1979). The *The journal of Asian Studies*. 39 (1). 73-101.
- Chang, M. G. (2007). *A court on horseback imperial touring & the construction of Qing Rule: 1680-1785*. Cambridge (Mass) and London: Harvard university Asia Center.
- Sheykholeslami, A. Reza. (1997). *The structure of central Authority in Qajar Iran 1871-1896*. Georgia: scholars. Press.